

عنوان مقاله:

مقتضیات شناختی رابطه ی سیاست و فضای جغرافیایی در چارچوب ساختارگرایی با تاکید بر آرای هگل

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره 12، شماره 46 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

احسان لشگری تفرشی - Yazd University

خلاصه مقاله:

تعیین چارچوب نظری شناخت یک مفهوم بنیادین؛ یکی از مبنایی ترین اصول در مطالعه و شناخت مفاهیم و موضوعات است و ازجمله چگونگی شناخت اثرگذاری سیاست بر فضای جغرافیایی در مکاتب مختلف معرفت شناسی ازجمله در ساختارگرایی و به ویژه در آراء هگل متفاوت است. در این انگاره، حکومت در معنای وسیع خود حالت ناب واقعیت را که از اراده ی عقلانی انسان ها نشات گرفته، نمایندگی می نماید. در این راستا کوشش گردیده با مراجعه به مستندات معتبر نظری اثربخشی معرفت شناختی جغرافیای سیاسی در مکتب ساختارگرایی هگلی ارائه گردد. یافته های پژوهش بیانگر آن است که در مکتب ساختارگرایی نظام سیاسی- اقتصادی حاکم در یک دوره ی تاریخی نقش علی و تعیین کنندگی را برای شکل گیری و حدوث تغییر فضایی داراست و فضای جغرافیایی در نظر آن ها چیزی جزء تحول ساخت ها و تغییر شکل آن ها نیست. بر این مبنا رویکردهای شناختی جغرافیای سیاسی ناظر به تبارشناسی ساخت سیاسی-اجتماعی حاکم در مقیاس ملی با استفاده از منطق دیالکتیک است.

کلمات کلیدی:

Politics, Space of geography, Structuralism, Cognition, Hegel, سیاست, فضای جغرافیایی, ساختارگرایی, شناخت, هگل.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1414295>

